

۱۴. شیخ مکی، ابوالفتح مظفرالدین، الجانب الغربي فی حلّ مشکلات الشيخ محی الدین بن عربی، به اهتمام نجیب مایل هروی.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۶ش، الشواهد الربوبیه، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، دانشگاه مشهد.
۱۶. فیض الاسلام، حاج سیدعلی نقی، ۱۳۲۶ش، ترجمه و شرح نهج البلاغه، خط طاهر خوشنویس.
۱۷. القاضی ابویعلی، محمد بن حسین الفراء، بی تا، الاحکام السلطانیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۱۸. القمی، الحاج شیخ عباس، ۱۳۵۵ق، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، چاپ نجف.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
۲۰. الماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب البصری البغدادی، بی تا، الاحکام السلطانیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۱. المجلسی، محمد باقر، ۱۳۸۸ق، بحارالانوار، ج ۱۶، ج ۲۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. بی تا، بحارالانوار، ج ۹ و ج ۱۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. المشهدی القمی، میرزا محمد، ۱۴۱۳ق، تفسیر کنز الدقائق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۴. مطهری، مرتضی، شرح مبسوط منظومه، ۱۳۶۷ش، تهران، انتشارات حکمت.
۲۵. مولوی، جلال الدین محمد بلخی رومی، بی تا، مثنوی معنوی، تهران، کتابفروشی اسلامی.

۲۰

بیت

بیت

نقش اهل بیت در حیات جاودانه قرآن

ابراهیم کلانتری*

چکیده

اهل بیت، در قرآن کریم، روایت‌ها و عُرف جامعه اسلامی بر چه کسانی اطلاق می‌شود؟ و نقش آنان در حیات جاودانه قرآن چیست؟ پژوهش درباره این مسئله مجال بیشتری می‌خواهد، ولی این نوشتار می‌کوشد به طور فشرده و با استناد به منابع معتبر، به بررسی اجمالی آن بپردازد.

بی‌تردید، این مسئله از آغاز پیدایی مباحث تفسیری و کلامی در جهان اسلام همواره مورد توجه اندیشمندان این حوزه‌ها بوده است، ولی اهمیت آن در اندیشه اسلامی به ویژه در عصر حاضر چنان است که امکان پژوهش‌های بسیار درباره آن وجود دارد.

در این نوشتار، روشن می‌شود که اهل بیت تنها بر گروه اندکی از خاندان پیامبرگرمی اسلام علیهم‌السلام اطلاق می‌گردد که بنا بر صراحت بیان آن حضرت، میان آنان و قرآن پیوندی همیشگی برقرار است. این پیوند ابدی، جایگاه ویژه‌ای را برای اهل بیت علیهم‌السلام در کنار قرآن رقم زده است که اگر به دقت بررسی شود، ره آورد ارجمندی را در باره حیات جاودانه قرآن در پی خواهد داشت. نگارنده می‌کوشد تا با این رویکرد، به مطالعه پیوند قرآن و اهل بیت بپردازد.

واژگان کلیدی: اهل بیت، قرآن، حیات جاودانه، پیوند قرآن و اهل بیت.

* استادیار دانشگاه الزهراء عج

در برخی از آیات قرآن و نیز در بیان پیامبر گرامی اسلام ﷺ از گروهی با عنوان «اهل بیت» یاد شده است که از هرگونه پلیدی پاک‌اند و فضیلت‌ها و موقعیت ویژه‌ای را در اسلام دارند. از جمله فضیلت‌هایی که پیامبر ﷺ برای این گروه برشمرده و بدان اصرار ورزیده است، پیوند ابدی آنان با قرآن کریم است.

این پیوند که بنابه سخن صریح پیامبر ﷺ اگر مورد توجه مسلمانان قرارگیرد، نجات‌بخش امت اسلامی از گمراهی‌ها خواهد بود، جایگاه ویژه‌ای را برای اهل بیت در کنار قرآن رقم می‌زند این نوشتار می‌کوشد تنها به یک مسئله از ده‌ها مسئله‌ای که در موضوع اهل بیت و اسلام وجود دارد، بپردازد و آن تبیین نقش اهل بیت در حیات جاودانه قرآن است.

نگارنده خواهد کوشید با مراجعه به منابع اصیل دینی و تحلیل آموزه‌های اسلامی و اسناد و مدارک دیگر به تبیین موضوع بپردازد و جنبه‌های مختلفی از آن را در معرض داوری و نقد منصفانه پژوهشگران دینی قراردهد. پیش از ورود به موضوع، برخی مباحث مقدماتی به اختصار طرح خواهد شد.

ریشه شناسی مفهوم اهل بیت و عترت

ابن منظور، «اهل‌البیت» را به معنی ساکنان خانه دانسته است؛ همان‌گونه که «اهل الرجل» را به معنی نزدیک‌ترین افراد به وی و در جای دیگر، به «عشیره» و نزدیکان وی معنا کرده است. (ابن منظور، ۱۹۹۶م: ماده اهل)

راغب اصفهانی در ذیل ماده «اهل» می‌گوید:

«اهل الرجل» در اصل به کسانی اطلاق می‌شود که به همراه او در یک مسکن زندگی می‌کنند. سپس به صورت مجاز، به کسانی اطلاق شده است که با وی در نسب مشترک‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ماده اهل)

فیروزآبادی در ذیل همین ماده چنین می‌گوید:

اهل الرجل عبارتند از خانواده و نزدیکان وی که جمع آن «اهلون»، «اهال»، «أهال» و «اهلات» است ... و اهل‌البیت عبارتند از ساکنان خانه ... (فیروزآبادی، بی‌تا: فصل الهمزه و الباء، باب اللام، ذیل ماده اهل)

بنابراین، واژه «اهل» به معنای گروهی است که به سبب اشتراک در امر معینی، اعم از

مادی یا معنوی، میان آنها نوعی انتساب پدید آمده است. این اشتراک معین، با مضاف‌الیه «اهل» تعیین می‌گردد.

بر این اساس، «اهل‌البیت» به گروهی اطلاق می‌گردد که به سبب اشتراک در انتساب به شخص معین و یا سکونت در منزل معینی، میان آنان نوعی انتساب پدید آمده است.

همچنین «الف و لام» عهد در مضاف الیه اهل [البیت]، یاد آور بیت معین، یعنی خانه پیامبر اسلام ﷺ است. (طبرسی، بی‌تا: ج ۸، ص ۵۵۸)

از این رو، «اهل‌البیت» مترادف با «اهل بیت‌النبی ﷺ» شناخته می‌شود. به همین سبب، کاربرد «اهل‌البیت» به صورت مطلق در عرف رایج مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون، ویژه خاندان پیامبر ﷺ بوده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ذیل واژه اهل) این واژه در فارسی با حذف «الف و لام» و به صورت «اهل‌بیت» استعمال می‌شود.

لغت‌شناسان، واژه «عترت» را نیز با واژه «اهل‌بیت» هم معنا دانسته‌اند. ابن‌منظور می‌گوید: «عترت مرد همان نزدیکان او از پسر و غیر پسر هستند» (ابن‌منظور، ۱۹۹۶م: ذیل واژه عتر) وی در ادامه، پس از نقل حدیث ثقلین از پیامبر ﷺ است می‌گوید:

بنا به برخی از نقل‌ها، پیامبر ﷺ در آن حدیث فرموده: اِنِّي تَارِكٌ فِیْكُمْ الثَّقَلِیْنَ، كِتَابَ اللّٰهِ وَ عِترتی اهل بیتی؛ پس پیامبر ﷺ عترت را با اهل بیت یکی دانسته است. (همان)

ابن‌منظور در ادامه همین گفتار به نقل از ابن‌اعرابی می‌گوید:

فَعِترَةُ النَّبِیِّ ﷺ وَوَلَدُ فَاطِمَةَ الْبُتُولِیَّةِ. (همان)

فراهِیدی نیز در بیان معنای عترت سخنی مشابه سخن ابن‌منظور دارد. وی می‌گوید: وَ عِترَةُ الرَّجُلِ اقْرَابَاؤُهُ مِنْ وُلْدِهِ وَ وُلْدُ وُلْدِهِ وَ بَنُو عَمِّهِ دُنْیَاً. (فراهِیدی، ۱۴۲۵ق: ذیل واژه عتر)

کاربرد «اهل‌البیت» در قرآن

در قرآن کریم، واژه «اهل‌البیت» تنها در دو آیه شریفه به کار رفته است:

الف: قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ اَهْلُ الْبَيْتِ اِنَّهُ حَمِيدٌ مُّجِیدٌ. (هود (۱۱): ۷۳)

[فرشتگان به همسر ابراهیم] گفتند: آیا از کار خدا تعجب می‌کنی، رحمت و برکات

خداوند بر شما خاندان ابراهیم است؛ زیرا خداوند بسیار ستوده و بزرگواری است.

اِنَّمَا یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلُ الْبَيْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا. (احزاب (۳۳): ۳۳)

بی‌گمان، خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما خاندان پیامبر ﷺ دور کند و

در برخی از آیات قرآن و نیز در بیان پیامبر گرامی اسلام ﷺ از گروهی با عنوان «اهل بیت» یاد شده است که از هرگونه پلیدی پاک‌اند و فضیلت‌ها و موقیبت ویژه‌ای را در اسلام دارند. از جمله فضیلت‌هایی که پیامبر ﷺ برای این گروه برشمرده و بدان اصرار ورزیده است، پیوند ابدی آنان با قرآن کریم است.

این پیوند که بنابه سخن صریح پیامبر ﷺ اگر مورد توجه مسلمانان قرارگیرد، نجات‌بخش امت اسلامی از گمراهی‌ها خواهد بود، جایگاه ویژه‌ای را برای اهل بیت در کنار قرآن رقم می‌زند این نوشتار می‌کوشد تنها به یک مسئله از ده‌ها مسئله‌ای که در موضوع اهل بیت و اسلام وجود دارد، بپردازد و آن تبیین نقش اهل بیت در حیات جاودانه قرآن است.

نگارنده خواهد کوشید با مراجعه به منابع اصیل دینی و تحلیل آموزه‌های اسلامی و اسناد و مدارک دیگر به تبیین موضوع بپردازد و جنبه‌های مختلفی از آن را در معرض داوری و نقد منصفانه پژوهشگران دینی قراردهد. پیش از ورود به موضوع، برخی مباحث مقدماتی به اختصار طرح خواهد شد.

ریشه شناسی مفهوم اهل بیت و عترت

ابن منظور، «اهل البیت» را به معنی ساکنان خانه دانسته است؛ همان گونه که «اهل الرجل» را به معنی نزدیک‌ترین افراد به وی و در جای دیگر، به «عشیره» و نزدیکان وی معنا کرده است. (ابن منظور، ۱۹۹۶م: ماده اهل)

راغب اصفهانی در ذیل ماده «اهل» می‌گوید:

«اهل الرجل» در اصل به کسانی اطلاق می‌شود که به همراه او در یک مسکن زندگی می‌کنند. سپس به صورت مجاز، به کسانی اطلاق شده است که با وی در نسب مشترک‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ماده اهل)

فیروزآبادی در ذیل همین ماده چنین می‌گوید:

اهل الرجل عبارتند از خانواده و نزدیکان وی که جمع آن «اهلون»، «اهال»، «أهال» و «اهلات» است ... و اهل البیت عبارتند از ساکنان خانه ... (فیروزآبادی، بی‌تا: فصل الهمزه و الباء، باب اللام، ذیل ماده اهل)

بنابراین، واژه «اهل» به معنای گروهی است که به سبب اشتراک در امر معینی، اعم از

مادی یا معنوی، میان آنها نوعی انتساب پدید آمده‌است. این اشتراک معین، با مضاف‌الیه «اهل» تعیین می‌گردد.

بر این اساس، «اهل البیت» به گروهی اطلاق می‌گردد که به سبب اشتراک در انتساب به شخص معین و یا سکونت در منزل معینی، میان آنان نوعی انتساب پدید آمده است.

همچنین «الف و لام» عهد در مضاف الیه اهل [البیت]، یاد آور بیت معین، یعنی خانه پیامبر اسلام ﷺ است. (طبرسی، بی‌تا: ج ۸، ص ۵۵۸)

از این رو، «اهل البیت» مترادف با «اهل بیت النبی ﷺ» شناخته می‌شود. به همین سبب، کاربرد «اهل البیت» به صورت مطلق در عرف رایج مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون، ویژه خاندان پیامبر ﷺ بوده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق: ذیل واژه اهل) این واژه در فارسی با حذف «الف و لام» و به صورت «اهل بیت» استعمال می‌شود.

لغت شناسان، واژه «عترت» را نیز با واژه «اهل بیت» هم معنا دانسته‌اند. ابن منظور می‌گوید: «عترت مرد همان نزدیکان او از پسر و غیر پسر هستند» (ابن منظور، ۱۹۹۶م: ذیل واژه عتر) وی در ادامه، پس از نقل حدیث ثقلین از پیامبر ﷺ است می‌گوید:

بنا به برخی از نقل‌ها، پیامبر ﷺ در آن حدیث فرموده: «أَبِي تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابُ اللَّهِ وَ عِترتی اهل بیتی؛ پس پیامبر ﷺ عترت را با اهل بیت یکی دانسته است. (همان)

ابن منظور در ادامه همین گفتار به نقل از ابن اعرابی می‌گوید:

فَعِترَةُ النَّبِيِّ ﷺ وَوَلَدُ فَاطِمَةَ الْبُتُولِ ﷺ. (همان)

فراهِدی نیز در بیان معنای عترت سخنی مشابه سخن ابن منظور دارد. وی می‌گوید:

وَ عِترَةُ الرَّجُلِ أَقْرَبَاؤُهُ مِنَ وُلْدِهِ وَ وُلْدِ وُلْدِهِ وَ بَنِي عَمِّهِ دُنْيَاً. (فراهِدی، ۱۴۲۵ق: ذیل واژه عتر)

کاربرد «اهل البیت» در قرآن

در قرآن کریم، واژه «اهل البیت» تنها در دو آیه شریفه به کار رفته است:

الف: قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (هود (۱۱): ۷۳)

[فرشتگان به همسر ابراهیم] گفتند: آیا از کار خدا تعجب می‌کنی، رحمت و برکات

خداوند بر شما خاندان ابراهیم است؛ زیرا خداوند بسیار ستوده و بزرگواری است.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. (احزاب (۳۳): ۳۳)

بی‌گمان، خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما خاندان پیامبر ﷺ دور کند و

کاملاً شما را پاک سازد.

آیه اول درباره ابراهیم خلیل علیه السلام و خاندان آن حضرت است که در آیه‌های پیش و پس از آن، داستان نزول فرشتگان بر آن حضرت و بشارت تولد حضرت اسحاق و در پی آن تعجب همسر پیر ابراهیم مطرح شده است. آیه دوم که به آیه تطهیر شهرت دارد، بنا به نظر همه مسلمانان، به خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اختصاص دارد. (طبرسی، همان) براساس این آیه و حضری که در آن است، خداوند بزرگ هر گونه ناپاکی را از اهل بیت پیامبر علیهم السلام دور ساخته است.

کیستی اهل بیت پیامبر علیهم السلام

برای شناخت دقیق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، تنها راه مراجعه به روایت‌های اسلامی است. براساس این آموزه‌ها، اهل بیت به پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اختصاص دارد. جلال‌الدین سیوطی در تفسیر روایی خود، بسیاری از این روایت‌ها را با اسناد مختلف از صحابه پیامبر آورده است. (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۶، ص ۵۳۳ - ۵۳۵) طبرسی نیز در روایت‌های بسیاری را از ابوسعید خدری، انس بن مالک، وائله بن اسقع، عایشه، ام سلمه، جابر و حسن بن علی رضی الله عنه نقل می‌کند که همگی با صراحت به بیان همین مطلب پرداخته‌اند. (طبرسی، بی تا: ج ۸، ص ۵۵۹ و ۵۶۰) در یکی از این روایت‌ها آمده است:

عن ابی سعید الخدری، عن النبی صلی الله علیه و آله، قال: نزلت هذه الآية فی خمسة فی و فی علی و حسن و حسین و فاطمة (همان: ص ۵۵۹)

پیامبر فرمود آیه تطهیر درباره پنج نفر نازل شده است من، علی، حسن، حسین و فاطمه علیهم السلام. طبرسی پس از نقل چندین روایت با همین مضمون، می‌گوید:

روایت‌ها در این زمینه بسیار است که هم از طریق اهل سنت و هم از طریق شیعه رسیده است و اگر بخواهیم همه آن‌ها را بیاوریم، کتاب به درازا می‌کشد. (همان: ص ۵۶۰) علامه طباطبایی نیز در ذیل آیه تطهیر بسیاری از این روایت‌ها با اسناد گوناگون می‌آورد و می‌گوید: روایات وارده در این خصوص از طریق اهل سنت فراوان است و همچنین از طریق شیعه، هر کس می‌خواهد بر آنها مطلع شود به *غایة المرام بحرانی و عبقات الابرار* مراجعه نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص ۳۱۹)

علامه مجلسی نیز روایت‌های فراوانی در این زمینه آورده است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۵)

فراوانی روایت‌ها در این زمینه چنان است که برای پژوهشگر منصف تردیدی در نزول آیه شریفه در شأن والا و فضیلت بی‌مانند پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام باقی نمی‌گذارد. البته در کتاب‌های حدیثی و تفسیری، روایت‌های دیگری نیز دیده می‌شود که به تبیین مصادیق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، باب فضایل اهل بیت) بر اساس این روایت‌ها، افزون بر اصحاب کساء [پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام] که امام معصوم علیه السلام از فرزندان حسین علیه السلام نیز در زمره اهل بیت پیامبر قرار می‌گیرند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله گاهی از این گروه با واژه «اهلی»؛ (سیوطی، ۱۴۲۱ق: ج ۶، ص ۵۳۳)، گاهی نیز با واژه «اهل بیتی» (همان: صص ۵۳۲ - ۵۳۴)، گاه با واژه «عترتی» (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۲۲۱) و در پاره‌ای موارد با ترکیب «عترتی، اهل بیتی» از آنان یاد کرده است. (مجلسی، همان: ج ۲۳، ص ۱۰۶)

عیاشی در ذیل آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. (نساء: ۴: ۵۹)

روایتی طولانی را به نقل از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که بر اساس آن، مصداق‌های «اولی الامر» در این آیه، با مصادیق «اهل بیت» در آیه تطهیر یکسان‌اند. این روایت، با یادآوری آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله در تعیین مصداق‌های دو آیه و برخی آیات دیگر رسیده است، «دوازده امام معصوم» را مصداق قطعی «اولی الامر» و «اهل‌البیت» شمرده است. بر اساس همین روایت، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از این گروه، با واژه‌های «اهل‌بیتی»، «ثقلی»، «اهلی» یاد کرده است. (عیاشی، بی تا: ج ۱، ص ۲۷۶ و ۲۷۷) بنابر برخی روایت‌های منقول در ذیل آیه «اولی الامر»، پیامبر صلی الله علیه و آله از اولین تا آخرین این گروه را برای برخی از اصحاب خود نام برده است. (همان، ص ۲۸۰)

پیوند قرآن و اهل بیت در نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فضیلت‌های بسیاری را برای اهل بیت خود برشمرده است که بر اساس آن‌ها، اهل بیت علیهم السلام در جایگاه بی‌بدیلی در میان امت اسلامی قرار می‌گیرند. از جمله، مهم‌ترین این فضیلت‌ها، هم‌سنگ قرار دادن اهل بیت با قرآن و پیوند ناگسستنی آن

* این روایت را ابن جریر، حاکم و ابن مردویه از سعد نقل کرده‌اند.

بوده اند که افزون بر دریافت و ابلاغ وحی، مسئولیت تبیین آن را نیز برعهده داشته‌اند. اکنون با ختم نبوت، نزول وحی خاتمه یافته است، ولی اعتبار وحی قرآنی بنا به باور عموم مسلمانان تا قیامت باقی است. این جاودانگی و ابدیت قرآن در بستر زمان، از یک سو و پیدایی نیازهای جدید در عرصه حیات فردی و جمعی مؤمنان از سوی دیگر، حضور مفسران آگاه و آشنا به اسرار و ژرفای وحی را در کنار قرآن برای همه زمان‌ها ضرورت می‌بخشد. حضور چنین عناصر انسانی در کنار قرآن سبب می‌شود تا زلال آیات وحی همواره بر زندگی آدمیان نازل گردد و عصرها و نسل‌های متوالی از هدایت‌های آسمانی قرآن بی‌بهره نمانند.

پیامبر اسلام ﷺ که خود راهنمای وحی الهی بود، به زیبایی «پیوند قرآن و اهل بیت ﷺ» را پاسخ گوی این نیاز اساسی در عصر خاتمیت دانسته است. به نظر می‌رسد راز تأکید پیامبر ﷺ بر این پیوند مقدس و اعلام تکراری آن در همین نکته اساسی نهفته باشد از این رو، باید پی آمدهای آن مورد توجه قرار گیرد.

نقش اهل بیت ﷺ در جاودانگی قرآن

از رهگذر پیوند قرآن و اهل بیت ﷺ چه نتایجی در زمینه جاودانگی قرآن در بستر پویای زمان به دست می‌آید؟

پاسخ روشن به این پرسش، افزون بر اینکه ما را بر نقش اهل بیت ﷺ در جاودانگی قرآن آگاه می‌سازد، اهمیت این پیوند ناگسستنی و مورد تأکید پیامبر اسلام ﷺ را نیز آشکار خواهد ساخت. بنابر آموزه‌های اسلامی، اهل بیت ﷺ در کنار قرآن نقش بی‌بدیلی داشته‌اند و در جاودانگی قرآن در بستر زمان، اثرگذار بوده‌اند. نمادهای عینی این نقش بی‌بدیل را در ادامه این نوشتار بررسی می‌کنیم.

تبیین درست وحی به فراخور نیازهای زمان

نخستین نتیجه‌ای که از پیوند قرآن و اهل بیت ﷺ به دست می‌آید، تبیین درست آیات قرآن پس از رحلت پیامبر ﷺ از سوی اهل بیت آن حضرت بود. پیش‌تر گذشت که این مسئولیت خطیر بنا به تصریح قرآن کریم در عصر حضور پیامبر، برعهده آن حضرت بود. با رحلت پیامبر ﷺ گرچه نزول وحی پایان یافت، ولی امر تبیین وحی هرگز به پایان نرسید. این بدان سبب است که آیات قرآن همان‌گونه که انسان‌های عصر حضور پیامبر را

مخاطب قرار می‌دهند، انسان‌های پس از آن را نیز به گونه‌ای یکسان مخاطب خود قرار می‌دهند و این خطاب یکسان به طور منطقی، مستلزم تبیین و تشریح پیوسته است. پیوند مستمر اهل بیت ﷺ با قرآن، درحقیقت پیش‌بینی سازوکار دقیقی است که به این نیاز منطقی پاسخ شایسته می‌دهد. اگر به این سازوکار بی‌توجهی شود، آیات قرآن در عصر پس از پیامبر ﷺ به گزاره‌های صامتی تبدیل خواهند شد که هرگز نمی‌توانند با نیازهای عصری مؤمنان ارتباط برقرار سازند و در عمل، از متن زندگی فردی و جمعی آدمیان برکنار خواهند ماند.

این حقیقت بنیادی، در کلام ناب امام علی ﷺ به روشنی آمده است: «هذا کتابُ الله الصامت و انا المعبر عنه فَخُذُوا بکتابِ الله الناطق». (محمدی ری شهری، ۱۴۲۱ق: ج ۸، ص ۲۰۷)

قرآن کتاب ساکت خداوند است و من آن را تبیین می‌کنم؛ پس به کتاب ناطق خداوند تمسک جوید.

امام باقر ﷺ با استناد به قرآن کریم، بر ضرورت حضور امامان معصوم ﷺ پس از پیامبر گرامی ﷺ برای هدایت مؤمنان به حقیقت وحی، استدلال می‌کند و می‌فرماید: «فی قول الله عزوجل: «انما انت منذرٌ و لكل قوم هاد». فقال: رسول الله المنذر و لكل زمان مَنّا هاد یهدیهم الی ما جاء به نبی الله ﷺ، ثم الهداة من بعده علی ثم الأوصیاء واحداً واحداً». (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۷۲)

... از امام باقر ﷺ درباره این آیه که همانا تو ای پیامبر ﷺ بیم دهنده‌ای و برای هر گروهی رهبری است. پرسیدم، امام فرمود: رسول خدا بیم دهنده است و در هر زمانی از ما اهل بیت رهبری است که مؤمنان را به آنچه پیامبر ﷺ از سوی خدا آورده هدایت می‌کند. رهبران پس از پیامبر ﷺ، نخستین آنان علی است و پس از او اوصیایش یکی پس از دیگری هستند.

حضرت علی بن موسی الرضا ﷺ در بیان فلسفه حضور امامان معصوم ﷺ در میان مؤمنان در عصر پس از پیامبر ﷺ، بر همین نکته بنیادی تصریح می‌کند و اهل بیت پیامبر را ضامن جریان درست آموزه‌های دینی در میان مؤمنان و نگاهبانان امین امانت الهی در میان مردمان دانسته است. (صدوقی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۰۱)

امام صادق ﷺ نیز بر این مطلب تأکید می‌کند و می‌فرماید: «انا اهل البیت لم یزل الله یبعث فینا من یعلمُ کتابه من اوله الی آخره». (صفا قمی، ۱۳۷۴: ص ۲۱۴)

همواره خداوند در میان ما اهل بیت، کسی را بر می‌گزیند که کتابش را از آغاز تا انجام می‌داند. ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

و عندنا والله علم الكتاب كله. (کلینی، بی تا: ج ۱، ص ۳۳۳)
به خدا قسم همه علم قرآن نزد ماست؛

برخی از عالمان اهل سنت خواسته‌اند این نقش حیاتی اهل بیت علیهم‌السلام را انکار کنند، (ابوزهره، بی تا: ص ۲۲۰)، ولی به دلیل تأکید روشن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر این مهم بسیاری از اندیشه‌وران اهل سنت نیز همچون عالمان شیعی بر این نقش صحه گذاشته‌اند و با صراحت به طرح آن پرداخته‌اند. در این میان، دیدگاه عبدالکریم شهرستانی از عالمان شهیر اهل سنت، بسیار روشنگر است. وی معتقد است خداوند، علم قرآن را تنها نزد حاملانی از خاندان پاک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و برگزیدگانی از صحابه آن حضرت قرارداده است. آنان وارثان آن حضرت و یکی از دو «ثقل» و مجمع البحرین کتاب و سنت‌اند. ایشان هدایتگر امت و دانشوران راستین‌اند که همواره و همه جانبه در مقام تفسیر و تأویل آیات قرآن از آن پاسداری می‌کنند. شهرستانی در بخشی از بیان خود بر اتفاق نظر همه صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر اختصاص علم قرآن به اهل بیت علیهم‌السلام تصریح می‌کند و می‌گوید:

صحابه بر این مطلب که علم قرآن مخصوص اهل بیت علیهم‌السلام است اتفاق نظر داشتند؛ زیرا آنان از علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌پرسیدند: آیا شما اهل بیت جز به سبب قرآن بر ما برتری دارید. اینکه صحابه از چیز دیگری غیر از قرآن از آن حضرت می‌پرسند، خود دلیل بر اتفاق نظر آنان بر اختصاص علم قرآن (تنزیل و تأویل آن) به اهل بیت است. (شهرستانی، ۱۳۶۸: ص ۲).

افزون بر اینکه بر اهل بیت علیهم‌السلام این نقش مهم همواره تصریح و تأکید کرده‌اند، شاگردان مکتب آنان نیز که به خردورزی شهره بوده‌اند، در مناظره‌های خود با منکران جایگاه اهل بیت اهل بیت علیهم‌السلام، بر این نقش بی‌بدیل تأکید کرده‌اند. در این میان، مناظره منصور بن حازم با گروهی از مخالفان (صدوق، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۶۲۴ - ۶۲۸)، مناظره هشام ابن حکم با مرد شامی (کلینی، بی تا: ج ۱، ص ۲۴۰ - ۲۴۴)، همچنین مناظره ایشان با عمرو ابن عبید (صدوق، همان: ص ۶۲۸ - ۶۳۴) خواندنی و تأمل برانگیز است. آنچه از این گونه مناظره‌ها به دست می‌آید، اهمیت نقش اهل بیت اهل بیت علیهم‌السلام در کنار قرآن به منظور تبیین مفاهیم و آموزه‌های آیات وحی به فراخور نیازهای آدمیان در عصرهای پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

لازم به یاد آوری است که مرجعیت علمی اهل بیت اهل بیت علیهم‌السلام در تبیین آموزه‌های وحیانی،

نه به آیات معین و نه به زمان مشخصی اختصاص ندارد، بلکه این مرجعیت فرا زمانی است. این حقیقت را می‌توان به روشنی از حدیث ثقلین فهمید؛ زیرا در آن حدیث نخست بر پیوند قرآن و اهل بیت (به صورت مطلق) و نیز بر استمرار آن پیوند تا قیامت تصریح شده است.

ابن حجر هیتمی از عالمان اهل سنت، در باره استمرار پیوند اهل بیت با قرآن می‌گوید: در روایات تمسک به اهل بیت اهل بیت علیهم‌السلام به این نکته اشاره شده است که همان گونه که قرآن تا قیامت جاودان است و لزوم تمسک به آن ابدی است، شایستگی اهل بیت پیامبر (ص) برای تمسک به ایشان نیز تا روز قیامت به قوت خود باقی است (ابن هبش، همان: ص ۱۵۰).

وی در همین زمینه به حدیث دیگری از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌کند:

فی كل خلف من امتی عدول من اهل بیتی ینفون عن هذا الذین تحریف الضالین و انتحال المطلین و تأویل الجاهلین الا و ان ائمتکم وفدکم الی الله عزوجل فانظروا من توفدون. (همان: ص ۱۵۰)

علامه سید محسن امین (امین عاملی، ۱۴۰۰: ج ۳، ص ۱۳۶)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۴)، محمدحسین بروجرودی (بروجردی، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۷۵) و بسیاری از دین پژوهان دیگر بر این نکته تصریح کرده‌اند.

از آنچه گذشت افزون بر روشن گری جایگاه بی‌بدیل اهل بیت در تبیین آیات وحی، این نکته ظریف نیز به دست می‌آید که پشتوانه اهل بیت در این تبیین، اتصال آنان به ذخیره علم خداوندی است. این حقیقت را می‌توان از کنار هم نهادن آیه تطهیر *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً* (احزاب (۳۳): ۳۳) و آیات شریفه *إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ*. (الواقعه (۵۶): ۷۷-۷۹) به دست آورد. اگر آیه *لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ* را آن گونه که برخی از مفسران (طباطبایی، ۱۴۱۴: ج ۱۹، ص ۱۳۷) نظر داده‌اند وصف برای «کتاب مکنون» قرار دهیم، در این صورت معنای سخن خداوند چنین می‌شود که تنها «المطهرون» می‌توانند از کتاب مکنون که منبع اصلی قرآن است آگاه شوند. بنا به نص صریح آیه تطهیر، اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جمله «المطهرون» هستند و در نتیجه، بر کتاب مکنون خداوند آگاهی دارند. این اتصال به ذخیره علم خداوندی، راز پیوند قرآن و اهل بیت و مرجعیت بی‌مانند آنان در تبیین درست وحی قرآنی در عصر خاتم است.

امام علی علیه‌السلام در بیان این حقیقت می‌گوید:

خداوند، آلودگی و زشتی را از ما خاندان دور کرد و از افتادن ما در دام گناه محافظت فرمود. ما گواه مردم و راهنمای آنان در زمین هستیم. ما همراه قرآن و قرآن قرین ما است

و هرگز از هم جدا نخواهیم شد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۳، ص ۲۷۰)

از رسمیت یافتن سخنان اهل بیت علیهم السلام در تبیین آیات وحی، بسیاری از مفاهیم کلی قرآن تفصیل می‌یابند؛ همان‌گونه که از همین رهگذار شماری از آموزه‌های عام و یا مطلق قرآن نیز تخصص یا تقیید روبه‌رو می‌شوند و این، سرّی از اسرار پیوند قرآن و عترت در بستر زمان است.

آموزش روش درست اجتهاد در آیات قرآن

توجه به دو مقدمه زیر، نقش تعلیمی اهل بیت علیهم السلام را در اجتهاد روش‌مند در آیات قرآن نمایان می‌سازد:

الف) آیات فراوانی از قرآن کریم، همگان را اعم از مؤمنان و کافران، به ژرف اندیشی در آیات قرآن فراخوانده است. (ص (۳۸): آیه ۲۹؛ نساء (۴): ۸۲؛ محمد (۴۷): ۲۴؛ نحل (۵۶): ۴۴) بی شک، تدبیر همگان در قرآن، مقدمه‌ها، ابزار و سازوکارهای متناسب می‌طلبد.

ب) توفیق مراجعه پیوسته و بی‌واسطه به اهل بیت علیهم السلام با هدف دریافت آموزه‌های بلند وحی، برای همه مؤمنان در هر زمان و مکان ممکن نیست؛ همان‌گونه که برای همه مؤمنان عصر حضور پیامبر صلی الله علیه و آله نیز چنین توفیقی حاصل نبوده است.

با توجه به دو مقدمه بالا، آموزش روش فراگیر و سازوکار منطقی اجتهاد در آیات قرآن، از سوی اهل بیت علیهم السلام که خود جامع علوم قرآن‌اند، ضرورت می‌یابد. با این روش، مؤمنان ژرف اندیش می‌توانند همواره در آیات قرآن تدبیر کنند و به تناسب زمان و نیازهای گوناگون آن، از هدایت‌های وحی بهره‌مند گردند. تدبیر در آیات قرآن، در پرتو روش تعلیمی اهل بیت علیهم السلام، نوع خاصی از اجتهاد را پدید می‌آورد که در تفکر مبتنی بر ضرورت پیوند قرآن و اهل بیت علیهم السلام، باب آن همواره گشوده بوده است. نخستین نکته‌ای که در روش تعلیمی اهل بیت علیهم السلام در باره تفسیر آیات وحی دیده می‌شود، تشویق و ترغیب مؤمنان به ژرف اندیشی و اجتهاد در قرآن است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

و تلموا القرآن فإنه أحسن الحديث، و تفقهوا فيه فإنه ربيع القلوب (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰)

قرآن را بیاموزید که بهترین سخن است و در آن ژرف بیاندیشید که بهار دل‌هاست.

همچنین آن حضرت همواره جابربن عبدالله انصاری را به علم و آگاهی توصیف می‌کرد. کسی با شگفتی پرسید: فدایت شوم، شما جابر را این‌گونه توصیف می‌کنید؛ حال آنکه خود در دانش سرآمد روزگار هستید؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

انه كان يعرف تفسیر قوله تعالى: إن الذي فرض عليك القرآن لرادك إلى معاد (قصص ۲۸): (۸۵). (ارثر چفری، ۱۹۵۴م: ص ۲۶۲)

او تفسیر این سخن خداوند بزرگ را می‌داند که فرمود: آن کس که قرآن را بر تو فرض کرد تو را به جایگاه خود باز می‌گرداند.

نکته دیگری که در روش تعلیمی اهل بیت علیهم السلام در مراجعه روش‌مند به آیات قرآن دیده می‌شود «تحدیر» مدعیان از تفسیر ناآگاهانه و غیر روش‌مند آیات قرآن است. سخنان امام صادق علیه السلام خطاب به ابوحنیفه نمونه روشنی از این گونه تحدیرهاست. در گفت‌وگوی امام علیه السلام با ابوحنیفه، پس از آنکه وی مدعی شناخت قرآن شد، امام علیه السلام خطاب به ایشان فرمود:

ای ابوحنیفه! مدعی علم فراوانی شدی! وای بر تو، چنین علمی را خداوند جز نزد اهل کتاب قرار نداده است؛ آنان که قرآن بر ایشان نازل شده است. وای بر تو! علم کتاب جز نزد فرزندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیست. خداوند تو را از کتابش ذره‌ای عطا نکرده است. (حر عاملی، ۱۳۶۷: ج ۱۸، ص ۳۰)

مانند همین تحدیر شدید در مناظره امام باقر علیه السلام با قتاده ابن دعامه، فقیه مردم بصره نیز دیده می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۴، ص ۲۳۸؛ حر عاملی، همان: ج ۱۸، ص ۱۳۶)

در شیوه تعلیمی اهل بیت علیهم السلام، مراجعه به آیات قرآن و تفسیر آن‌ها نه تنها تجویز شده، بلکه مورد تأیید قرار گرفته است. البته این تجویز، شرایطی دارد که تحصیل آن‌ها پیش از گام نهادن به این عرصه پر مخاطره لازم شمرده شده است. افزودن بر شرایط عمومی همچون شناخت لغت و اسلوب کلام عربی، اسباب نزول، علوم قرآنی، منطق، بلاغت، سخنان پیشینیان، شرایط ویژه‌ای که در شیوه تعلیمی اهل بیت علیهم السلام برای مراجعه و اجتهاد در آیات قرآن ضرورت می‌یابند، به قرار زیر است:

الف) تحصیل شناخت جامع به همه آیات قرآن و توجه به ارتباط معنایی برخی از آیات با برخی دیگر؛

ب) توجه به حضور اهل بیت علیهم السلام در کنار قرآن و آگاهی به آنچه آنان در تفسیر آیات ارائه داده‌اند؛

ج) شناخت ظرافت‌های بسیار و ظاهر و باطن آیات، آن‌گونه که اهل بیت علیهم السلام مؤمنان را بدان توجه داده‌اند؛

بمراجعه به آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام در تفسیر برخی از آیات قرآن، اهمیت این شرایط

در نگاه اهل بیت علیهم السلام در زمینه و اجتهاد در آیات قرآن به روشنی آشکار می‌شود.

تبیین حکم شکسته بودن نماز مسافر با استناد به آیات قرآن از سوی امام باقر علیه السلام (صدوق، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۴۳۴ و ۴۳۵)، بیان حکم قطع ید سارق با استناد به آیاتی از قرآن در حدیث امام جواد علیه السلام (حر عاملی، ۱۳۶۷: ج ۱۸، ص ۴۹۰)، تبیین مفاهیم بلند برخی از آیات قرآن از سوی امام باقر علیه السلام در گفت‌وگو با قتاده ابن دعامه (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۴، ص ۲۳۷ و ۲۳۸) نمونه‌هایی از تفسیر و اجتهاد روش‌مند در قرآن است که روش تعلیمی ویژه‌ای را پیش روی اندیشمندان قرآن پژوه می‌گذارد.

بی‌توجهی به عزت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روشی که آنان در تفسیر آیات قرآن پیش روی مؤمنان نهاده‌اند، سبب زایش و رشد استنباط‌های بی‌ضابطه و پراکنده و نیز ظهور مذهب‌ها و فرقه‌های گوناگون در تاریخ اسلام شده است. شکل‌گیری خوارج، باطنیه، مرجئه، صوفیه و ده‌ها فرقه دیگر در میان امت اسلامی، معلول همین بی‌توجهی است. امام علی علیه السلام آن‌گاه که این عباس را به سوی خوارج فرستاد تا با آنان مذاکره کند، با توجه به اجتهادپذیری قرآن از یک‌سو و اجتهاد غیر روش‌مند خوارج در آن از سوی دیگر، خطاب به ابن عباس چنین فرمود:

لَا تُخَاصِمُهُم بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وَجْهِ (نهج البلاغه، نامه ۷۷)

با آنان با قرآن احتجاج نکن؛ زیرا قرآن به وجوه گوناگون تفسیر پذیر است.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات، نگرانی جدی خویش را از پیدایش اجتهادهای بی‌ضابطه در مراجعه به آیات قرآن این گونه بیان کرده است:

أَكْثَرُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ يَنَاولُ الْقُرْآنَ يَضَعُهُ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۹، ص ۱۱۲)

بیشترین نگرانی‌ام بر امت پس از خود از کسانی است که قرآن را در دست گیرند و آن را نا بجا تفسیر کنند.

توجه دادن مؤمنان به وجود ظرافت‌ها در قرآن

نقش دیگری که اهل بیت علیهم السلام در کنار قرآن ایفا کردند، توجه دادن به ظرافت‌ها و ویژگی‌های بسیاری است که آیات قرآن را از متن‌های دیگر متمایز ساخته‌اند. اهل بیت علیهم السلام در یادآوری این ویژگی‌ها - چه آن‌گاه که خود به تفسیر پرداخته‌اند و چه آن‌گاه که یاد آور عظمت وحی الاهی شده‌اند - از بیان هیچ نکته‌ای دریغ نورزیده‌اند. کلام ذیل از امام علی علیه السلام در این زمینه گویاست:

کتاب رَبِّكُمْ فِیکُمْ، مُبِینًا حَلَالَهٗ وَ حَرَامَهٗ وَ فَرَائِضَهٗ وَ فُضَائِلَهٗ وَ نَاسِخَهٗ وَ مَنْسُوخَهٗ وَ رُخْصَهٗ وَ

عَزَائِمَهٗ وَ خَاصَّهٗ وَ عَامَّهٗ وَ عِبَرَهٗ وَ امْتَالَهٗ وَ مَرْسَلَهٗ وَ مَحْدُودَهٗ وَ مُحْكَمَهٗ وَ مُتَشَابِهَهٗ، مَفْسَّرًا مَجْمَلَهٗ وَ مَبِینًا غَوَامِضَهٗ بَیْنَ مَا خُوِذَ مِنْتَاقُ عِلْمِهٖ وَ مُوسَّعَ عَلَی الْعِبَادِ فِی جَهْلِهٖ وَ بَیْنَ مُنْتَبِئِ فِی الْکِتَابِ فَرْضَهٗ وَ مَعْلُومِ فِی السَّنَةِ نَسَخَهٗ وَ وَاجِبِ فِی السَّنَةِ اخْذَهٗ وَ مُرَخَّصِ فِی الْکِتَابِ تَرْکَهٗ وَ بَیْنَ وَاجِبِ یَوْقَتِهٖ وَ زَائِلِ فِی مَسْتَقْبَلِهٖ وَ مَبَیْنِ مُحَارَمَهٖ مِنْ کَبِیرِ اَوْعَدَ نَبِیِّرَآئِهٖ، اَوْ صَغِیرِ اِرْصَدَ لَهُ غَفْرَانَهٗ وَ بَیْنَ مَقْبُولِ فِی ادْنَاهُ مُوسَّعِ فِی اِقْصَاهُ. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

کتاب پروردگارتان میان شماست که بیان‌کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، بندها و مثل‌ها، مطلق و مقید و محکم و متشابه است. عبارت مجمل خود را تفسیر و نکات پیچیده خود را آشکار می‌سازد. از واجباتی که آگاهی بر آنها را از بندگان میناق گرفت و آنچه نا آگاهی به آنها را مجاز شمرد. بخشی از احکام دین در قرآن واجب شمرده شده است که ناسخ آن در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده و بعضی از آن در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز شمرده شده است. بعضی از واجبات موقتی بوده‌اند و در آینده وجوب آن‌ها برداشته شد. محرمات الاهی از هم تفکیک شده‌اند. برخی کبیره‌اند که بر آن‌ها وعده آتش داده و برخی صغیره‌اند که بر آن‌ها وعده بخشش داده است. برخی از اعمال که اندکش مقبول و در انجام دادن بیشتر آن آزادند.

افزون بر این، اهل بیت علیهم السلام همواره مؤمنان ژرف اندیش را به بطن آیات و لایه‌های گوناگون معانی موجود در ورای ظاهر آیات توجه داده‌اند. گرچه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای نخستین بار مسلمانان را به ذوبطون بودن آیات قرآن توجه داده است؛ ولی آنچه اهل بیت آن حضرت در تفسیر این حقیقت انجام داده‌اند، بسیار چشم‌گیر و راه‌گشاست. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۹)

آگاه ساختن مؤمنان به ذوبطون بودن آیات قرآن سبب می‌شود اول اینکه مفسر قرآن: در دام جمود بر ظاهر آیات و سطحی نگری گرفتار نیاید؛ دوم اینکه: به تلاش پی گیر و روش‌مند برای رسیدن به پاسخ‌های مناسب وحی به نیازهای گوناگون معرفتی و معیشتی آدمیان در گذر زمان بپردازد.

با توجه به این مهم، راه برای تدبیر پیوسته در آیات قرآن و به جریان درآوردن وحی آسمانی در زندگی فردی و جمعی آدمیان در عصر پس از حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هموار می‌گردد و هیچ عصری و نسلی از موهبت وحی بی‌بهره نمی‌ماند.

اهل بیت علیهم السلام با ایفای این نقش، افزون بر آنکه راه را بر هرج و مرج و در پیش گرفتن روش‌های بی‌مبنا در تفسیر قرآن بسته‌اند و فهم قرآن را کاری بس ظریف و روش‌مند معرفی کرده‌اند، دست‌یابی به آموزه‌های بلند قرآن را برای همه عصرها و نسل‌ها با کمک اجتهاد روش‌مند در ظاهر و بطن آیات مجاز شمرده‌اند و عالمان را بدان تشویق کرده‌اند.

٢٢. طبرسي، فضل ابن حسن، بي تا، مجمع البيان، بيروت، دارالمعرفة.
٢٣. طوسي، محمد بن حسن، ١٩٨٧م، التبيان في تفسير القرآن، نجف، المطبعة العلمية، ١٣٧٦ق.
٢٤. عبد الباقي، محمد فؤاد، ١٣٦٤ق، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم، قاهره، دارالكتب المصريه.
٢٥. عسكري، سيد مرتضى، ١٤٢٤ق / ٢٠٠٣م، القرآن الكريم و روايات المدرستين، قم، كلية اصول الدين، ٢.
٢٦. عياشي، محمد بن مسعود، بي تا، تفسير العياشي، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية.
٢٧. فخر رازي، محمد بن عمر، ١٤٢٠ق / ١٩٩٩م، مفاتيح الغيب، بيروت دار احياء التراث العربي.
٢٨. الفراهيدي، خليل بن احمد، ١٤٢٥ق، كتاب العين، تحقيق: مهدي المخزومي و ابراهيم السامراي، تهران، اسوه.
٢٩. فيروز آبادي، مجد الدين محمد بن يعقوب، بي تا، القاموس المحيط، بيروت، دارالجيل.
٣٠. كليني، محمد بن يعقوب، بي تا، اصول كافي، تهران، انتشارات علمية اسلامية.
٣١. مجلسي، محمد باقر، ١٤٠٣ق، بحار الأنوار، بيروت، دار احياء التراث العربي.
٣٢. محمدي ري شهري، محمد، ١٤٢١ق، موسوعة الامام علي عليه السلام، قم، دار الحديث.
٣٣. معرفت، محمد هادي، ١٤١٧ق، التمهيد في علوم القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٣٤. هيثمي، احمد بن حجر، بي تا، الصواعق المحرقة، مصر، مكتبة القاهرة.